

## بررسی رابطه هوش موفق و خود ناتوان سازی تحصیلی و نقش میانجی سرسختی روانشناختی در دانش آموزان دختر متوسطه آموزش و پرورش جلفا

ولی عبدالله زاده قمشی<sup>۱</sup>، رسول نجفی<sup>۲</sup>، رحمت سعادت فر<sup>۳</sup>، هادی خلیلی<sup>۴</sup>، راضیه یوسفیان<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، اداره آموزش و پرورش ناحیه پنج تبریز (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> سطح تحصیلی دو فقه و اصول، اداره آموزش و پرورش ناحیه پنج تبریز

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، آموزش و پرورش شهرستان شبستر

<sup>۴</sup> کارشناسی شیمی، اداره آموزش و پرورش شهرستان تبریز

<sup>۵</sup> کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، اداره آموزش و پرورش شهرستان شاهین شهر

### چکیده

خود ناتوان سازی به عنوان شکلی از رفتارهای اجتنابی به طور واضح به کاهش و تخریب عملکرد فرد منجر می شود و سرسختی روانشناختی و هوش موفق در سلامت روانی و رفتار به هنجار نقش دارد و دانش آموزی که در این متغیرها خوب نباشد در تشخیص هیجانات با مشکل روبرو می شوند. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه هوش موفق و خود ناتوان سازی تحصیلی و نقش میانجی سرسختی روانشناختی در دانش آموزان دختر متوسطه آموزش و پرورش اهر انجام شد. روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری مطالعه حاضر را از دانش آموزان دختر متوسطه آموزش و پرورش اهر بوده و برای نمونه گیری روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای نسبتی استفاده شد. بدین ترتیب تعداد نمونه آماری ۲۳۵ نفر متوسطه اول و ۱۶۵ نفر متوسطه دوم، (مجموعاً ۴۰۰ نفر) انتخاب شد. از ابزارهای پرسشنامه خودناتوان سازی تحصیلی میگلی (۲۰۰۰)، پرسشنامه سرسختی روانشناختی نجاری و همکاران (۱۳۷۷) و پرسشنامه هوش موفق گریگورنک. و استنبرگ (۲۰۰۲) استفاده گردید. نتایج این پژوهش نشان داد که بین هوش تحلیلی و سرسختی روانشناختی با خودناتوان سازی تحصیلی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد ( $p < 0.05$ ). بین مولفه های هوش عملی و هوش خلاق با خودناتوان سازی تحصیلی رابطه معنادار نبوده است. و همچنین در این پژوهش سرسختی روان شناختی به عنوان متغیر میانجی با دیگر متغیرها رابطه معنی دار نداشته است. بنابراین متغیرهای هوش و سرسختی روانشناختی پیش بینی خود ناتوان سازی تحصیلی را دارند. از یافته های پژوهش مسئولین تربیتی، مشاوران و معلمان و مسئولین که در ارتباط دانش آموزان هستند در زمینه های آموزشی، تربیتی و اتخاذ تصمیمات همیاری و کمک به تقویت متغیرهای پژوهش می توانند مثرتر باشند.

**واژه های کلیدی:** خود ناتوان سازی تحصیلی، هوش موفق، سرسختی روانشناختی، دانش آموز

## مقدمه:

رفتارهای خودناتوان ساز دربرگیرنده رفتارهای مختلفی است، نظیر پایین آوردن میزان یا کیفیت تمرینات ورزشی، به وجود آوردن مشکلات جسمی یا اغراق درباره آنها، یا تمرکز بر عیب های واقعی یا غیرواقعی (ذهنی و خیالی). تحقیقات پژوهشگران نشان داده است که خودناتوان سازی تحصیلی روشی پیشگیرانه و خودنظم دهنده است که برای پیشگیری از عملکرد ضعیف محتمل در تکالیف درسی مورد استفاده قرار می گیرد. (شوینگر، ۲۰۱۹). از نظر برگلاس و جونز (۱۹۷۸) خودناتوان سازی راهبردی است که، قبل از اعمال و رفتار دانش آموز به وقوع می پیوندد و با کارکردهای حفاظت از خود در صورت شکست احتمالی و ارتقای خود در صورت موفقیت احتمالی، منجر به حفظ یا افزایش میزان حرمت خود می شود. یوسال و کنری (۲۰۱۲) معتقد است که خودناتوان سازی در کوتاه مدت موجب افزایش حرمت خود می شود، اما خودناتوان سازی های مکرر در بلندمدت کاهش سطح حرمت خود را در پی خواهد داشت. همچنین خودناتوان سازها عملکرد تحصیلی ضعیف تری در مقایسه با افراد عادی دارند و از آن جایی که موفقیت تحصیلی شاخص پایایی و استواری وضعیت شریلی و اقتصادی است، می توان پیش بینی کرد که افراد خودناتوان ساز در دوران بعد از تحصیل هم از وضعیت شغلی و تحصیلی پایینی برخوردار شوند. (میگلی و یوردان، ۲۰۰۱). طی دو دهه ی اخیر، متخصصان تعلیم و تربیت به مطالعه ی عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی بیش از پیش توجه کرده اند. یکی از متغیرهایی که با خودناتوان سازی تحصیلی رابطه دارد، هوش موفق می باشد.

هوش موفق تلفیقی از مهارت های تحلیلی، خلاق و عملی می باشد که به افراد برای سازگاری، انتخاب و تغییر محیط برای رسیدن به اهداف تعیین شده کمک می کند (اسچوت، مالوف و زورستنسون، ۲۰۱۶). مفهوم زیربنایی هوش موفق این است که افراد با هوش، کسانی هستند که نقاط قوت و ضعف خود را بهتر شناسایی کرده و نقاط قوت خود را ارتقا می دهند و در عین حال نقاط ضعف خود را نیز اصلاح و رفع می کنند (لایرد و همکاران، ۲۰۱۴). استرنبرگ عقیده بر این دارد که آن چیزی که معرف هوش است، هوشبهر نیست، بلکه رفتارهای هوشمندانه معرف های دقیق از توانمندی هوشی است. او معتقد است ماهیت هوش بسیار پیچیده است و نمی توان تمامی ابعاد سازنده هوش را از طریق آزمون مداد- کاغذی مشخص ساخت (استرنبرگ، ۲۰۱۰). او به تحلیل و تبیین فرآیندهایی می پردازد که افراد تکالیف و مسائل ذهنی مختلف را چگونه و با چه مکانیسمی حل می کنند، چگونه مهارت های مرتبط با تفکر و استدلال را ارتقا می دهند و در مواجهه با مسائل مختلف، عملکرد بهتری به نمایش می گذارند (نگهبان سلامی و همکاران، ۱۳۹۳).

با توجه به بررسی پیشینه پژوهش و اهمیت و ضرورت خود ناتوان سازی تحصیلی و رابطه آن با عملکرد تحصیلی و نبود تحقیقات کافی در این زمینه، بنابراین سوال اصلی پژوهش این است که آیا بین خودناتوان سازی و هوش موفق ارتباط وجود دارد؟

## روش

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-همبستگی است که در آن همبستگی بین هوش موفق و خودناتوان سازی تحصیلی و نقش میانجی سرسختی روانشناختی در دانش آموزان دختر متوسطه آموزش و پرورش اهر مورد بررسی قرار گرفته است.

جامعه آماری عبارت است از مجموعه ای از افراد، اشیاء و ... ( واحد ) که حداقل در یک صفت مشترک باشند معمولاً جامعه آماری را با N نمایش می دهند. (پیشین: ۲۵۰) جامعه آماری به کل گروه افراد، وقایع یا چیزهایی اشاره دارد که محقق می خواهد به تحقیق درباره آنها بپردازد. ( سکاران ، ۱۳۸۰: ۲۹۴) در تحقیق حاضر جامعه آماری عبارت است از دانش آموزان دختر متوسطه آموزش و پرورش اهر در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ (به تعداد ۳۴۶۲ نفر که ۲۴۳۱ نفر در دوره اول متوسطه و ۱۰۳۱ نفر در دوره متوسطه دوم)

گروه نمونه مجموعه کوچکی از جامعه آماری است مشتمل بر برخی از اعضاء که از جامعه آماری انتخاب شدند (سکاران ، ۱۳۸۰: ۲۵۹). در این پژوهش، روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای نسبتی استفاده شد. بدین ترتیب تعداد نمونه آماری ۲۳۵ نفر متوسطه اول و ۱۶۵ نفر متوسطه دوم، (مجموعاً ۴۰۰ نفر) انتخاب شد. برای نوشتن مطالب نظری مربوط به متغیرهای تحقیق (هوش موفق، سرسختی روانشناختی و خود ناتوان سازی تحصیلی) با استفاده از کتاب و مقاله های علمی و پژوهشی استفاده شد و برای جمع آوری داده های تحقیق پرسشنامه های تحقیق در سایت طراحی و لینک آن از طریق شبکه های اجتماعی در اختیار دانش آموزان قرار گرفت و پس از تکمیل جمع آوری گردید.

## ابزار پژوهش

**پرسشنامه سرسختی روانشناختی:** پرسشنامه به وسیله تحلیل عوامل نجاریان، کیامرثی و مهرابی زاده هنرمند (۱۳۷۷)، اعضای هیأت علمی گروه روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز ساخته شده است. در سال ۱۳۷۷ بر روی یک نمونه ۵۲۳ نفری از دانشگاه آزاد اسلامی اهواز اعتباریابی شد که سرسختی را مورد سنجش قرار می دهد. این آزمون یک نمره کل از سرسختی افراد می دهد و فاقد مؤلفه های تعهد، کنترل و مبارزه جویی است. شیوه نمره گذاری این پرسشنامه ۲۷ ماده ای به این صورت است که شرکت کنندگان به یکی از چهار گزینه هرگز، بندرت، گاهی اوقات و اغلب اوقات پاسخ گفته و بر اساس مقادیر صفر، ۱ ، ۲ ، ۳ نمره گذاری می شود. نجاریان و همکاران (۱۳۷۷)، برای سنجش پایایی این مقیاس از دو روش

بازآزمایی و همسانی درونی استفاده کرده‌اند. ضریب همبستگی بین آزمون و آزمون مجدد با فاصله زمانی ۶ هفته در نمونه ۱۱۹ نفری برای شرکت کنندگان دختر و پسر به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۵ / گزارش شد و در روش همسانی درونی پرسشنامه سرسختی روانشناختی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که برای کل شرکت کنندگان ۰/۷۶ بدست آمد.

**-پرسشنامه خود ناتوان سازی تحصیلی:** پرسشنامه خودناتوان سازی تحصیلی میگلی (۲۰۰۰) شامل ۶ ماده است که میزان استفاده دانش آموزان از راهبردهای خودناتوان سازی را نشان می‌دهد. پرسشنامه خود ناتوان سازی هر یک از ماده‌ها، راهبردی را منعکس می‌کند که دانش آموز با استفاده از آن عملکرد ضعیف بعدی خود را توجیه می‌کند. تمام ماده‌های پرسشنامه خودناتوان سازی میگلی ۵ درجه‌ای بوده که به این صورت نمره گذاری میشود: کاملاً نادرست: ۱، نادرست: ۲، تا اندازه‌ای درست: ۳، درست: ۴، کاملاً درست می باشد. میگلی و یوردان (۱۹۹۵) پایایی این مقیاس را با روش آلفای کرونباخ و هاشمی‌شیخ شبانی (۱۳۸۰) پایایی این مقیاس را گزارش کرده اند. همچنین میزان روایی پرسشنامه در پژوهش هاشمی‌شیخ‌شبانی (۱۳۸۰) نیز به دست آمده است.

**پرسشنامه هوش موفق:** پرسشنامه هوش موفق گریگورنک. و استنبرگ در سال ۲۰۰۲ طراحی شد و شامل ۳۶ سوال است که سه بعد هوش تحلیلی، هوش خلاق و هوش عملی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این پرسشنامه بر روی یک لیکرت ۵ گزینه‌ای از ضعیف تا عالی دارد. ضرایب پایایی مقیاس‌های این پرسشنامه را به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۶۸ و ۰/۷۱ و پایایی کل را ۰/۷۴ گزارش کرده‌اند. نگهبان سلامی و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند که پرسشنامه از همسانی درونی قابل قبولی برخوردار است و پایایی آن را با ضرایب آلفای کرونباخ در زیرمقیاس‌های آن بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۱ به دست آوردند.

تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار spss v22 در دو قسمت توصیفی و استنباطی انجام می گیرد. در قسمت آمار توصیفی از شاخص های توصیفی و در قسمت آمار استنباطی از ضریب همبستگی استفاده می شود.

#### نتایج:

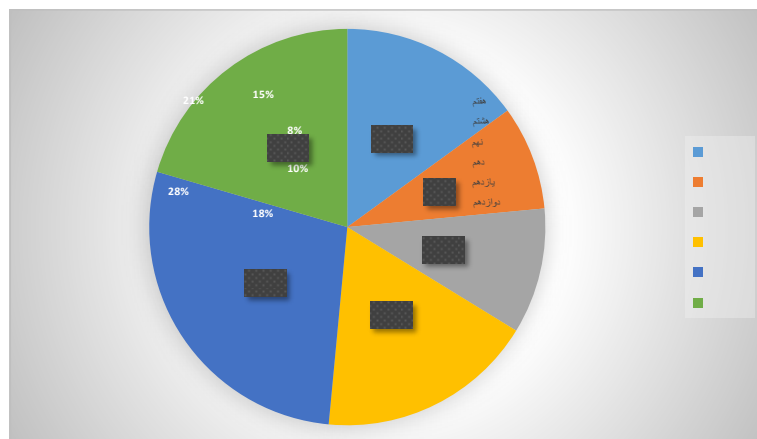
#### متغیرهای جمعیت شناختی

جدول ۱: وضعیت متغیرهای جمعیت‌شناختی افراد مورد مطالعه (n=۴۰۰)

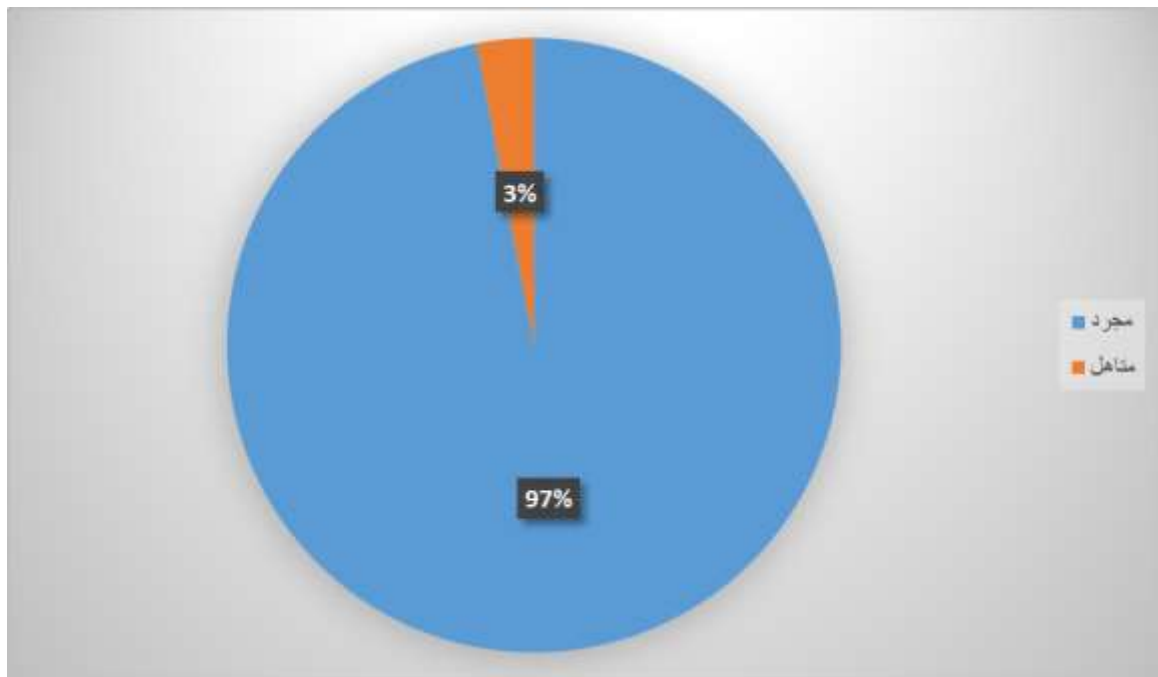
متغیر	رده	فراوانی	درصد فراوانی
تحصیلات	هفتم	۶۰	۱۵

هشتم	۳۴	۸,۵
نهم	۴۱	۱۰,۳
دهم	۷۱	۱۷,۸
یازدهم	۱۱۲	۲۸
دوازدهم	۸۲	۲۰,۵
متاهل	۱۲	۳
مجرد	۳۸۸	۹۷
وضعیت تاهل		

با توجه به نتایج جدول ۱، ۲۸ درصد افراد مورد مطالعه در مقطع یازدهم و ۹۷ درصد آنها مجرد بودند؛ ضمن اینکه میانگین (انحراف معیار) سن افراد مورد مطالعه برابر ۱۵,۹۵ (۱,۵۸) سال بود.



نمودار ۱: نمودار دایره ای توزیع فراوانی تحصیلات افراد مورد مطالعه



نمودار ۲: نمودار دایره ای توزیع فراوانی تحصیلات افراد مورد مطالعه

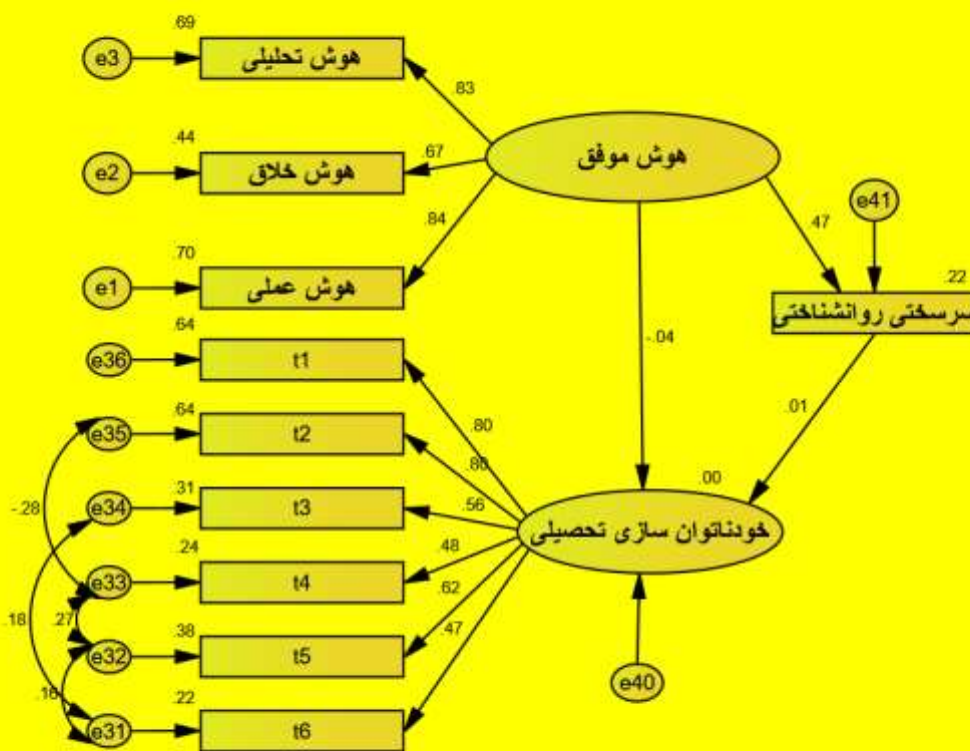
### متغیرهای اصلی پژوهش

جدول ۲: وضعیت متغیرهای اصلی در افراد مورد مطالعه

متغیر	تعداد گویه	میانگین	انحراف معیار	میان
هوش تحلیلی	۱۲	۵۰٫۵۴	۵٫۵۸	۵۱
هوش خلاق	۱۲	۴۸٫۷۲	۷٫۲۰	۵۰
هوش عملی	۱۲	۵۰٫۰۸	۶٫۴۵	۵۰
هوش موفق	۳۶	۱۴۹٫۳۴	۱۶٫۴۹	۱۵۱
خودناتوان سازی تحصیلی	۶	۱۱٫۳۹	۵٫۱۴	۱۱

جدول ۴: نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی همبستگی بین متغیرهای اصلی پژوهش

متغیرها	مقدار ضریب همبستگی	مقدار احتمال
خودناتوان سازی تحصیلی	هوش تحلیلی	-۰,۱۷
	هوش خلاق	-۰,۰۵
	هوش عملی	-۰,۰۱
	هوش موفق	-۰,۱۰
		۰,۰۰۱
		۰,۳۴۰
		۰,۹۳۵
		۰,۰۶۰



## بحث

نتایج داده ها نشان داد که هوش تحلیلی با خودناتوان سازی تحصیلی رابطه معکوس و معنادار دارد. بدین معنوی که هرچه هوش تحلیلی دانش آموز بالاتر باشد، خودناتوان سازی تحصیلی او پایین تر است؛ که با پژوهش جهرمی، (۱۳۹۵)، شوشتری (۱۳۹۴)، یار محمدی (۱۳۹۰) و دایر (۲۰۱۴) مک کنی (۲۰۱۹)، سیکو (۲۰۲۰) و نورلایا (۲۰۲۲) همسو می باشد.

در تبیین این یافته ها می توان گفت که هوش تحلیلی توانایی دستیابی به موفقیت در زندگی، با توجه به استانداردهای شخصی خود در محیط اجتماعی و فرهنگی به منظور انطباق و انتخاب محیط؛ از طریق شناختن و سرمایه گذاری بر نقاط قوت و بهبود و جبران ضعف ها از طریق توازن توانایی های تحلیلی، خلاق و عملی می باشد. هوش موفق شامل هوش تحلیلی (تحلیل، ارزیابی و مقایسه، تفکر و حل مسئله)، هوش عملی (به کارگیری دانش برای حل مشکلات روزمره اجتماعی) و هوش خلاق (خلق ایده های جدید و کنار آمدن با شیوه های تازه با مشکلات) می شود. افراد دارای هوش موفق با برقراری تعادل میان توانایی های تفکر تحلیلی، خلاق، عملی، قادر به انطباق با محیط، تغییر آن، و انتخاب محیط هستند. حل مسئله اجتماعی نیاز به قدرت تحلیل خوب دارد که این تحلیل از وظایف اصلی هوش تحلیلی است که این موارد باعث می شود خودناتوان سازی کاهش یابد. در تبیین این فرضیه می توان گفت مطابق با گفته های استرانبرگ و گریگور (۲۰۰۵)، فراگیری که هوش خلاق بالایی دارند معمولاً از دانش آموزان رتبه بالای کلاس نیستند، مطابق اوامر معلم در انجام تکلیف درسیشان کوشا نیستند و به جای دادن جوابهایی که معلم از آنها توقع دارد معمولاً به سؤالیهای او جوابهای منحصر به فرد و خاصی می دهند که در برخی مواقع باعث سرزنش آنها از سوی معلم و کسب نمره های پایین در درسها می شود مانند دانش آموزان دارای هوش خلاق، دانش آموزانی که دارای هوش عملی سطح بالایی هستند نیز غالباً به توقعات و خواسته های معلم جواب لازم را نمیدهند با این حال این دانش آموزان در بیرون از محیط کلاس موفق هستند و به آسانی با دیگران روابط اجتماعی برقرار می کنند و با وجود نداشتن موفقیت های بالای تحصیلی در سن بزرگسالی به عنوان بازرگانان سیاستمداران و مدیران موفق ظاهر می شوند

نتایج نشان داد که هوش عملی با خودناتوان سازی تحصیلی رابطه معنادار ندارد. ضمن آنکه تاکنون تحقیقی مبنی بر ارتباط این دو متغیر یافت نگردید

در تبیین دیگر می توان گفت که هوش عملی را بیشتر افراد عقل سلیم می نامند. هوش عملی توانایی انطباق یا شکل دادن و انتخاب محیط روزمره است. انطباق شکل دادن و انتخاب (محیط) از توابع اندیشه هوشمند هستند که در بستر مناسب عمل می کنند. همچنین توانایی عملی شامل اجرای ایده ها و توانایی درگیری زمانی که هوش در زمینه دنیای واقعی به کار گرفته می شود می باشد. (گاتفردسون، ۲۰۱۸).

دانش آموزان مطلب رو به نحوی یاد می گیرند که احتمال بازیابی آن را در امتحانات افزایش می دهند. هوش موفق صورتهای متنوعی از کدگذاری مطلب را پشتیبانی می کند. بدین ترتیب راه های بازیابی بیشتری به مطلب هست؛ و از این رو احتمال بیشتری برای یادآوری در سر جلسه امتحان وجود دارد. آموزش برای هوش موفق دانش آموزان را قادر می سازد تا از نقاط قوت خود بهره جسته و نقاط ضعف را اصلاح و جبران کنند. چهارم آموزش برای هوش موفق انگیزه بیشتری هم برای معلمان و هم



دانش آموزان دارد؛ به طوری که معلمان احتمالاً آموزش مؤثرتری می‌دهند و دانش آموزان احتمال بیشتری دارد که بیشتر یاد بگیرند..

#### منابع:

- بابایی، علی. (۱۳۹۵). بررسی رابطه برخی عوامل پیشایندی (انگیزشی، نگرشی، عملکردی) با خودناتوان سازی تحصیلی دانش آموزان پسر سال اول دبیرستان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- بشارت، محمدعلی؛ پویش گنجی. (۱۳۹۱). نقش تعدیل کننده سبک های دلبستگی در رابطه بین سرسختی روانشناختی و رضایت زناشویی. مجله اصول بهداشت روانی، ۱۴(۱۵): ۲۳۵-۲۴۸.
- بشارت، محمد. علی. (۱۳۹۲). مقیاس سرسختی روانشناختی تورنتو: پرسشنامه، روش اجرا و نمره گذاری (نسخه فارسی) روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی، ۱۰(۳۷): ۹۰-۹۲.
- بگیان کوله مرز، محمد جواد؛ نریمانی، محمد؛ سلطانی، ساناز؛ مهرابی، علیرضا() مقایسه نارسایی هیجانی و کنترل عواطف در سوءمصرف کنندگان مواد و افراد سالم، فصلنامه علمی و پژوهشی اعتیادپژوهی، ۸(۲۹)، ۱۳۱-۱۴۷
- پور افکاری، نصرت الله. (۱۳۹۲). فرهنگ جامع روانشناسی. روانپزشکی، تهران، فرهنگ معاصر، جلد اول
- جلالوند، حسین؛ اعظمی، یوسف؛ نظری حامد(۱۳۹۳)، مقایسه ناگویی خلقی در افراد معتاد به شیشه، هروئین و افراد عادی، همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، ۱۱(۱)، ۲۱-۲۹.
- حسینی، سید زهره(۱۳۹۴)، مقایسه سرسختی روانشناختی، سرشت و منش و پرخاشگری در معتادان و افراد عادی، وزرات بهداشت، ۶(۴)، ۱۳-۲۸
- حشمتی، رسول؛ قربانی، نیما؛ رستمی، رضا؛ احمدی، محسن؛ اخوان، حمید. (۱۳۸۹). بررسی مقایسه ای سرسختی در بیماران مبتلا به اختلالات سایکوتیک، غیر سایکوتیک و افراد بهنجار. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی همدان، ۱(۱۷): ۵۵-۶۱.
- حیدری، محمود. (۱۳۹۵). بررسی جایگاه خودناتوانسازی در مدل ساختاری پیش بینی موفقیت تحصیلی. پایان نامه دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- خداپناهی، محمدکریم. (۱۳۹۸). انگیزش و هیجان، تهران، سمت، چاپ سوم
- داود لکی و همکاران. ۱۳۹۷، رابطه تاب آوری تحصیلی و ارزیابی های شناختی با خودناتوان سازی تحصیلی: نقش واسطه ای هیجان های پیشرفت، نشریه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی، شماره ۵۵
- ذبیح الهی، کاظم (۱۳۹۰) رابطه سبک های فرزندپروری ادراک شده و هوش هیجانی با خودناتوان سازی. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه تهران.
- رجبی، غلامرضا و مقامی، ابراهیم. (۱۳۹۳). شفقت خود به عنوان میانجی بین ابعاد دلبستگی با بهزیستی ذهنی: یک مدل تحلیل مسیر. فصلنامه روانشناسی سلامت، ۴(۱۶)، ۴۸-۶۴.

ریو، جان مارشال (۱۳۹۵). انگیزش و هیجان، یحیی محمدی، تهران، چاپ پانزدهم.

رئیزی، فاطمه. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر بر خودناتوان سازی تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۲-۸۳ شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.

Aldao, A., Nolen-Hoeksema, S., Schw. (2010). Emotion-regulation Strategies across Psychopathology: A Meta-analytic Eeview, *Clinical Psychology Review*, 30, 217-237.

Ames, C. & Archer, J. (1988). Achievement goals in the classroom, students learning strategies and motivation processes. *Journal of EducationalPsychology*, 80, 2260-267.

Ames, C. (1984). Achievement attributions and self-instructionsin competitive and individualistic goal structures. *Journal ofEducational Psychology*, 76, 478-487.

Anderman, E, & Midgley, C (1997). Change in achievement goal orientations, perceived academiccompetence, and grades across the transition to middle-level school. *ContemporaryEducational Psychology*. 22, 269-298 .

Arria, A. , Caldeira, K. , Grady, K. , Vincent, K.B. , Fitzell, D. Johnson, E and Wish, E.D. (2011). Drug exposur opportunities and use patterns among college student: Results of a longitudinal prospective cohort study. *Substance Abuse*, 29 (41), 19-38.

Bagby, R. M., Parker, J. D. A., & Taylor, G. J. (1994). The Twenty-Item Toronto Alexithymia scale-I: Item selection and cross-validation of the factor structure. *Journal of Psychosomatic Research*, 38, 23-32.

Besharat, M. A. (2007). Reliability and factorial validity of farsi version of the Toronto Alexithymia Scale with a sample of Iranian students. *Psychological Reports*, 101, 209- 222.

Bousman, C.A; Cherner, M; Ake. C; Letendre, S; Atkinson, J. H; Patterson, T. L. (2009). Negative Mood and Sexual Behavior Among Non-Monogamous Men Who Have Sex with Men in the Context of Methamphetamine and HIV. *Journal of Affective Disorders*, 119, 84-91.

Carr A. (1999). *The Handbook of Child & Adolescents Clinical Psychology*. London; Routedag Carver, C. S. Scheier, M. F. (2008). Coping with stress: Divergent strategies of optimists and pessimists. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1257-1264.

Cecero, J. J., & Holmstrom, R. W. (1997). Alexithymia and affect pathology among adult male alcoholics. *Journal of Clinical Psychology*, 53, 201° 208.

Cerutti, R., Calabrese, M. Valastro, C. (2019). Alexithymia and Personality Disorders in the Adolescent Non-suicidal Self Injury: Preliminary Results. *Social and Behavioral Sciences*, 114, 372-376

Clarke, I.E. & MacCann, C. (2016a). Internal and external aspects of self-handicapping reflect the distinction between motivations and behaviours: Evidence from the Selfhandicapping Scale. *Personality and Individual Differences*, 100, 6-11.

Clarke, I.E. & MacCann, C. (2016b). What is self-handicapping? *Personality and Individual Differences*, 101, 472.

Cole, J; Logan, T. K; Walker, R. (2011). Social exclusion, Personal control, Self-regulation, and Stress among Substance Abuse Treatment Clients. *Drug and Alcohol Dependence*, 113, 13-20.

Cooper, M. L., Russel M, Skinner JB, Windle M. (1992). Development and Validitation of A Three-Dimensional Measure of Drinking Motives. *Psychological Assessment*. 491: 123- 132.

Del Mar Ferradás, M.; Freire, C.; Núñez, J.C.; Piñeiro, I. & Rosário, P. (2016). Motivational profiles in university students. Its relationship with self-handicapping and defensive pessimism strategies. *Learning and Individual Differences*. Volume 27, Pages 134-143

Dubey, A., Pandey, R., & Mishra, K. (2010). Role of emotion regulation difficulties and Positive/negative affectivity in explaining alexithymia-health relationship: An overview. *Indian Journal of Social Science Research*, 7, 20-31.

Dunham , G . D.(2008). Emotional Skill Falnes and Marital Satisfaction. Unpublished Doctorral Disseration . University of okran .

Eastwood, J.D., Cavaliere, C., Fahlman, S.A., & Eastwood, A.E. (2007). A desire for desires: Boredom and its relation to alexithymia. *Personality and Individual Differences*, 42, 1035° 1045.

Embry, D; Hankins, M; Biglan, A; Boles, S. (2009). Behavioral and Social Correlates of Methamphetamine Use in a Population ° based Sample of Early and Later Adolescents, *Addictive Behaviors*, 34, 343-351.

Epstien, J. A., Botvin, G. J., Diaz, T., Willams, C., & Griffin, k. (2007). Aggression, victimization, and problem behavior among inner-city minority adolescent. *Journal of Child and Adolescent Substance Abuse*, 9, 51-66.

Evren. C. Cagil, D. Ulku, M. Ozcetinkaya,S. Gokalp. P. Cetin,T. Yigittir,S(2018). Relationship between defence styles, alexithymia and personality in alcohol .dependenr inpatients. *Comprehensive Psychiatry*. 53(6). Pp. 860-867.

Franques, P., Auriacombe, M., & Tignol, J. (2000). Addiction and personality. *Journal of Encephale*, 26, 68-78.

Fukunishi, I., Kikuchi, M., Wogan, J., & Takubo, M. (1997). Secondary alexithymia as a state reaction in panic disorder and social phobia. *Comprehensive Psychiatry*, 38, 166° 170.

Galanter, M. (2006). Innovations: Alcohol & drug abuse, spirituality in alcoholics anonymous. *Psychiatric Services*, 57, 307-309.

Garnefski, N., Kraaij, V. (2006). Cognitive emotion regulation questionnaire-development of a short 18-item (CERQ-short). *Personality and Individual Differences*, 41, 1045-1053.

Gerana, J. S. L., Munoz, J. J., Navasa, E. (2009). Normal and pathological personality characteristics in subtype drug addicts undergoing treatment. *Personality and Individual Differences*, 46 (4), 418-423.

Gross, J. (1998). The Emerging Field of Emotion Regulation : An Integrative Review, *Review of General Psychology*, 2, 271-299.

Han, D., Zhang, D. Y., Li, B., Lv, Z., Huo, X., Li, Y. Zhong, Y. (2012). Alexithymia in Chinese chronic obstructive pulmonary disease (COPD) patients: The prevalence and related factors of alexithymia. *Psychiatry Research* 198, 274–278.

Javani, Nafise. Aghaie, Asghar (2016). The comparision of the alexithymia in addicted and nonaddicted people, *International Journal of Educational and Psychological Researches*, Vol 1, pp: 161-166.

Kano, M. Fukudo, S. (2013). The alexithymic brain: the neural pathways linking alexithymia to physical disorders. *BioPsychoSocial Medicine*, 7, 1-9.

Kokkonen, P., Karvonen, J.T., Veijola, J., et al (2001). Prevalence and sociodemographic correlates of alexithymia in a population sample of young adults. *Comprehensive Psychiatry*, 42, 471° 476.

Leary, M. R., & Shepperd, J. A. (1991). Behavioral self-handicaps versus self-reported handicaps: A conceptual note. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1265-1268.

Lemche, E., Brammer, M. J., David, A. S., Surguladze, S. A., Phillips, M. L., Sierra, M., & et al. (2017). Interoceptive–reflective regions differentiate alexithymia traits in depersonalization disorder. *Psychiatry Research: Neuroimaging*, 214, 66-۷۴